

تصویرگر: زهرا رشیدی

شعر

بوی خوش نان

♦ شقایق پای رنج

سر مشق امروز

نان بود و نانوا

آن را نوشتم

با خط زیبا

مامان خوبم

تا سفره را چید

بوی خوش نان

در خانه پیچید

نان نعمتی خوب

در این جهان است

در دفترم نان

در سفره نان است

چرخش سر از چپ

چرخش سر از راست

حرکات گردن

ایستاده در جاست

دست‌ها پشت سر

پنجه‌ها هم قلاب

یک کشش، عالی شد

چون پرید از سر خواب

مرتب‌ی عزیز می‌توانید از
شعر وقت ورزش برای
شروع با نشاط کلاس
درس استفاده کنید.

وقت ورزش

♦ مریم اسلامی

صبح شد وقت چیست؟

وقت ورزش کردن

حال خوش می‌خواهند

شانه‌ها و گردن

هر دو شانه بالا

هر دو شانه پایین

چند دفعه تکرار

می‌شود این تمرین



بیاباهم این شعرهای
زیبا را گوش کنیم.

رشد
کودک

آذر ۱۴۰۳

۱۱

یک بچه خرگوش

◆ زهره باقری

یک توپ هستم
اندازه‌ی مُشت
هم چشم دارم
هم دست و انگشت

هم پا و هم دُم
هم بینی و گوش
ترسی ندارد
این بچه خرگوش



بیاباهم این شعرهای
زیبا را گوش کنیم.



نصوبیرگر: زهره رشیدی

جشن یلدا

◆ عفت زینلی

یلدا که آمد
دیس اناری
همراه آن بود

بالای کرسی
پهلوی آن دیس
ظرف لبو بود

ما دور کرسی
هم قصه گفتیم
هم شعر خواندیم

از سی آذر
تا اوّل دی
بیدار ماندیم

شعر



صبحانه‌ام کو

◆ زهره عراقی

آقای نانوا
یک دوست دارد
گاهی برایش
نان می‌گذارد

آن دوست امروز
از دور آمد
با نوک به شیشه
تق تق زد

با بق بقو گفت
صبحانه‌ام کو؟
خندید نانوا
با دیدن او



رشد
کودک

آذر ۱۳۰۳

۱۲



مرئی گرامی
این شعرها با توجه به کلمه‌های
هدف در درس‌های آذرماه
کتاب فارسی سروده
شده‌اند.

دریا و قایقران

♦ مریم اسلامی



یک قایق چوبی
بر روی دریایم
با مرد قایقران
هر روز اینجایم

دریا به ما امروز
یک دانه ماهی داد
گفتم خدا را شکر
خوش حال شد صیّاد

بهترین سرباز

♦ شقایق پای رنج

سنگر گرفتم پشت دیوار
سرباز تیرانداز هستم
با این تفنگ آب‌پاشم
من بهترین سرباز هستم

تق تق تق شلیک کردم
زخمی نشد ماشین زردم
تیر تفنگم آبکی بود
با آن هدف را خیس کردم

آژیر ماشینم صدا داد
ترسیده انگار از تفنگم
بوسیدم او را، قول دادم
با دوستان خود نجاتم

